

# سقوط شرکت

## علل و مراحل آن

### مطالعه سیستمهای قانونی ورشکستگی

### در ایران و جهان

زهره حاجیها

#### مقدمه

می‌گردد. این جنبه غیرمنتظره بودن ورشکستگی است که آن را خطرناک تر می‌سازد. به هر حال همه واحدهای تجاری که تداوم فعالیت ندارند ورشکسته تلقی نمی‌شوند، زیرا برخی از آنها با وجود عدم تداوم فعالیت به اهداف خود دست یافته‌اند.

دان و براداستریت (Dun & Bradstreet) اصطلاح **شرکتهای ورشکسته** را این طور تعریف می‌کنند: "واحدهای تجاری که عملیات خود را به علت واگذاری یا ورشکستگی یا توقف انجام عملیات تجاری با زیان توسط بستانکاران، متوقف نمایند" (Newton, 1998).

ورشکستگی تقریباً مقوله‌ای باستانی است و به همین میزان هم شایع؛ ورشکستگی ممکن است در یک مغازه خرده‌فروشی کوچک که قادر به ایفای تعهد اجاره‌اش نیست و بدین دلیل بسته می‌شود و یا در یک شرکت تولیدی بزرگ به دلیل نداشتن نقدینگی مطلوب و زیانهای مستمر سالانه رخ دهد.

حسابداران باید علل پدید آورنده ورشکستگی را بخوبی درک کنند زیرا آنها هستند که می‌توانند قبل از وقوع ورشکستگی، مدیریت را از آن آگاه سازند و راه‌های پیشگیری کننده ارائه نمایند (Newton, 1998).

#### دلایل ورشکستگی

تعیین دلیل یا دلایل دقیق ورشکستگی و مشکلات مالی در هر مورد خاص کار آسانی نیست. در اغلب موارد دلایل متعددی با هم منجر به پدیده ورشکستگی می‌شوند. اما طبق تحقیقات دان و براداستریت دلایل اصلی ورشکستگی مشکلات مالی و اقتصادی است.

در برخی موارد دلایل ورشکستگی با آزمون صورتهای مالی و ثبتها مشخص می‌شود. حسابدارانی که در تجزیه و تحلیل وضع مالی شرکتهای رو به زوال تجربه دارند می‌توانند به راحتی دلایل ورشکستگی را شناسایی و تعیین کنند. اما گاهی، بعضی مسائل از گردش مناسب در یک واحد تجاری در یک دوره نسبتاً کوتاهمدت حمایت می‌کند و ورشکستگی را از چشم حسابداران پنهان می‌سازد. نیوتن (۱۹۹۸) دلایل ورشکستگی را بطور کلی به دو دسته دلایل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم کرده است. از نظر او دلایل برون‌سازمانی عبارتند از:

#### تعریف ورشکستگی

در ادبیات مالی واژه‌های غیر متمایزی برای ورشکستگی وجود دارد. برخی از این واژه‌ها عبارتند از:

**وضع نامطلوب مالی**، **شکست**، **عدم موفقیت واحد تجاری**، **وخامت**، **ورشکستگی**، **عدم قدرت پرداخت دیون** و غیره.

در فرهنگ و بستر «شکست» چنین تعریف شده است: «توصیف یا حقیقت نداشتن یا عدم کفایت و جوه در کوتاهمدت».

البته همه واحدهای تجاری برای دستیابی به موفقیت، برنامه‌ریزی می‌کنند و عملیات خود را به سمت برنامه‌های خود راهبری می‌نمایند اما برخی از آنها برای دستیابی به این هدف دست به عملیات ریسک‌آور و خطرناکی می‌زنند که به ورشکستگی منتهی

معروفند. این گروه در همه جوامع صرف نظر از سیستم خاص اقتصادی آنها دیده می شود.

نیوتن (۱۹۹۸) عوامل درون سازمانی و رشکستگی واحدهای تجاری را عواملی می داند که می توان با برخی اقدامات واحد تجاری از آنها جلوگیری کرد. اغلب این عوامل ناشی از تصمیمگیری غلط است و مسئولیت آنها را باید مستقیماً متوجه خود واحد تجاری دانست. از نظر او این عوامل عبارتند از:

۱- **ایجاد و توسعه بیش از اندازه اعتبار:** اگر شرکت، اعطای اعتبار به مشتریان را بیش از اندازه توسعه بخشد در دریافت دیون از بدهکاران دچار مشکل می گردد. توزیع کننده ها در صورت فروش کالا به مصرف کننده قادر به پرداخت بدهیهایشان هستند، پس اعتبارات اعطا شده از تولید کننده به توزیع کننده و نهایتاً به مصرف کننده توسعه داده می شود. در این حالت یک زنجیره اعتبار ایجاد می شود و اگر یک حلقه در این زنجیره ورشکست شود خطر سقوط همه زنجیره وجود دارد. راه حل مناسب افزایش بررسیهای اعتباری و محدود کردن حتی الامکان فروشهای نسیه است. گرچه ممکن است برخی شرکتهای فکر کنند که از دست دادن حجم فروشهای نسیه، زیان بیشتری از سوخت شدن برخی مطالباتشان برای آنها به همراه دارد، اما تصمیم غلط درباره اعطای اعتبار ممکن است باعث ایجاد ریسک در فعالیت مالی خود شرکت گردد و این زیانهای اعتباری غیر معمول ممکن است ساختار مالی شرکت را برای ادامه فعالیت تضعیف نماید.

۲- **مدیریت ناکارا:** فقدان آموزش، تجربه، توانایی و ابتکار مدیریت، واحد تجاری را در باقی ماندن در عرصه رقابت و تکنولوژی دچار مشکل می سازد. بیشترین تعداد ورشکستگیها به این دلیل بوده اند. عدم همکاری و ارتباط موثر مدیریت با افراد حرفه ای هم در این طبقه قرار می گیرد.

**اداره پژوهش تجاری دانشگاه<sup>۷</sup> پیتزبرگ** مطالعه ای روی ده کارخانه تولیدی ناموفق طی سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۶ انجام داد. شرکتهای ورشکسته با ده شرکت موفق مخالف یکدیگر بودند و اختلافات آنها به شرح ذیل بود:

شرکتهای ناموفق سوابق ضعیف و رویه های نگهداری سوابق ضعیف داشتند، شرکتهای موفق منابع زمانی و مالی بیشتری برای توسعه محصول صرف می کردند، شرکتهای ناموفق فراتر از عمق تکنولوژی در دسترس خود رفته بودند، مدیران آنها از تحلیل بازار و فروش غفلت می ورزیدند.



۱- **ویژگیهای سیستم اقتصادی:** مدیریت شرکت باید تغییراتی را که در ساختار اقتصادی رخ می دهد بپذیرد. وی نمی تواند تغییری در آنها ایجاد کند بلکه باید تعدیلات لازم را در عملیات شرکت در جهت این سیستم پیاده سازد. شرکتهای بزرگ دارای سازمان هستند اما شرکتهای کوچکتر بیشتر در معرض خطر ورشکستگی قرار دارند، چون شرکتهای بزرگ بهتر می توانند در شرایط نبود ثبات بازار مقاومت نمایند.

۲- **رقابت:** یکی از دلایل ورشکستگی رقابت است، اما مدیریت کارا نقطه مقابل این دلیل است.

۳- **تغییرات در تجارت و بهبودها و انتقالات در تقاضای عمومی:** اگر شرکتهای از بکارگیری روشهای مدرن و شناخت وسیع و بموقع خواسته های مصرف کننده جدید ناتوان باشند شکست می خورند.

۴- **نوسانات تجاری:** مطالعات نشان داده است که ناسازگاری بین تولید و مصرف، عدم استخدام، کاهش در میزان فروش، سقوط قیمتها و... باعث افزایش تعداد شرکتهای ورشکسته شده است. به هر حال نبود آرامش موقت عامل زیربنایی ورشکستگی شناخته نشده است.

۵- **تامین مالی:** پروفیسور **ناماکی** (Namaki) با استفاده از داده های بانک جهانی برای دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۰ عنوان کرد که مشکلات مرتبط با تامین مالی بیشتر از شرایط اقتصادی، باعث ورشکستگی شرکتهای کوچک می شود.

۶- **تصادفات:** برخی عوامل بسیار فراتر از کنترل شرکت هستند مانند رویدادهای طبیعی. برخی از آنها به نام **اعمال خداوند<sup>۸</sup>**

نتیجه نهایی این تحقیق نشان داد که ورشکستگیهای مورد بررسی بخاطر کوچک بودن این شرکتها نبود بلکه بخاطر مدیریت بد (سوءمدیریت) بود. برخی از این مدیریتهای ناکارا بخاطر تحمیل زیاد وظایف بیش از زمان در دسترس، به یک مدیر بود. آنها مسئولیتهای مختلفی داشتند که فرصت رسیدگی به همه آنها را نداشتند. شاید ورشکستگی یک فرصت مناسب برای رهایی مدیر بود که می شد از آن اجتناب ورزید.

**جامعه متخصصان ورشکستگی**<sup>۸</sup> (انگلیس)، هزار و هفتصد شرکت را که طی سال ۱۹۹۲ ورشکست شده بودند بررسی کرد و دریافت که مدیریت شرکت بزرگترین دلیل سقوط شرکتها بوده است. بعد از آن به ترتیب بازار، فقدان سرمایه گذاری اضافی لازم و تامین مالی بلندمدت عوامل ورشکستگی شناخته شدند (Newton, 1998).

نیوتن (۱۹۹۸) عنوان کرد که مدیریت ناکارا نمی تواند از عواملی چون فروشهای ناکافی (که منجر به ناکافی بودن سود برای باقی ماندن شرکت در عرصه تجارت می گردد)، قیمتگذاری نامناسب (که موجب پذیرش زیان روی یک قلم یا سود بسیار اندک می شود)، استفاده نادرست از دریافتهای و پرداختنیها (عدم موفقیت در گرفتن تخفیفات عمده و عدم پرداخت بدهکارانی که دارای وضع وخیم

غیرموزون (نسبت نامطلوب بدهی به سرمایه)، پوشش بیمه ای نامناسب (درمقابل زیانهای ناشی از آتش سوزی، سرقت و...)، روشها و ثبتهای نامناسب حسابداری (که باعث دسترسی نداشتن مدیریت به اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی مشکل و پیشگیری از آن می گردد)، رشد بیش از اندازه (رشد سریع باعث نیاز به وجه نقد بالا می گردد که ممکن است شرکت در کوتاهمدت قادر به ایفای آن نباشد و برای دستیابی به آن متحمل هزینه بهره گردد) و محدودیت ریسک (شرکتهایی که مصرف کنندگان متنوعی ندارند در صورت سوخت شدن یک فروش نسبه یا ورشکستگی یک مصرف کننده به سرعت ورشکست می شوند) جلوگیری کند و هر یک از آنها ممکن است منجر به سقوط شرکت گردد.

۳- **سرمایه ناکافی**: در صورتی که سرمایه کافی نباشد، شرکت ممکن است قادر به پرداخت هزینه های عملیاتی و تعهدات اعتباری در سررسید نگردد. با این حال دلیل اصلی مشکل، معمولاً سرمایه ناکافی نیست و ناتوانی در مدیریت اثربخش سرمایه، مسئله اصلی است.

۴- **خیانت و تقلب**: تعداد اندکی از ورشکستگیها با برنامه ریزی، ساختگی و بر اثر تقلب می باشد. جدول ۱ فهرست دلایل ورشکستگی را نشان می دهد.

### جدول شماره ۱- دلایل ورشکستگی

دلایل ورشکستگی	دلایل درون سازمانی	ایجاد و توسعه بیش از اندازه اعتبار	مدیریت ناکارا	سرمایه ناکافی	خیانت و تقلب
	دلایل برون سازمانی	ویژگیهای سیستم اقتصادی / نوسانات تجاری	رقابت	تغییرات در تجارت و بهبودها و انتقالات در تقاضای عمومی	تامین مالی

**جونایابی** (Jonah Aiyabei) نیز شاخصهای نشاندهنده ورشکستگی (وضع وخیم مالی) شرکت را به صورت زیر تقسیم کرده است:

- **کاهش سود نقدی**: اگر در طی زمان سود نقدی شرکت رو به کاهش مستمر باشد این امر را می توان نشانه ای برای ورشکستگی تلقی کرد.
- **بستن کارخانه ها یا شعبه های شرکت**.
- **زیانها**: زیانهای عملیاتی منجر به ناتوانی از پرداخت سودهای نقدی یا افزایش سرمایه گذاری می شود. این امر شرکت را به سوی ورشکستگی سوق می دهد.

هستند، هزینه های سربار و عملیاتی بیش از اندازه و مخارج بهره بدهیهای درازمدت بیش از اندازه (که همه هزینه های ثابت هستند که در مقابل درآمد قرار دارند و باعث بالا رفتن نقطه سربه سر می شوند)، سرمایه گذاریهای بیش از اندازه در داراییهای ثابت و موجودیها (که باعث محدودیت وجوه و در دسترس نبودن آن برای ایفای سایر تعهدات می گردد)، سرمایه در گردش ناکافی و نقدینگی ضعیف (به خاطر بدهی جاری بیش از حد در نتیجه تحصیل داراییهای ثابت با استفاده از اعتبار کوتاهمدت)، ساختار سرمایه

## • زیاد بودن فصول کم کاری و توقف عملیات.

• **استعفای مدیران ارشد:** مدیران ارشد یک سازمان در جایگاهی هستند که می توانند عملکرد بعدی سازمان را ببینند. بنابراین آنها می توانند زودتر استعفا دهند و به شرکتهایی که پتانسیل بهتری برای مقاومت در برابر ناملایمات اقتصادی دارند بروند. این استعفا می تواند یک نشانه عملکرد ضعیف باشد.

• **افت قیمت سهام:** قیمت‌های سهام نشان‌دهنده ارزشی هستند که بازار برای شرکت قائل است. بی‌ثباتی و کاهش قیمت سهام ممکن است منجر به ترک شرکت از سوی سهامداران با فروش سهام گردد و اعتبار دهندگان نیز عملکرد شرکت را با قیمت سهام آن ارزیابی می کنند (Aiyabei, 2000).

## مراحل ورشکستگی

نیوتن (۱۹۹۸) مراحل نامطلوب شدن وضع مالی شرکت را به دوره نهفتگی، کسری وجه نقد، نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، نبود قدرت پرداخت دیون کامل و در نهایت ورشکستگی تقسیم کرد (شکل ۲). گرچه اغلب ورشکستگیها از این مراحل پیروی می کنند، اما برخی شرکتها ممکن است بدون طی همه مراحل به ورشکستگی کامل برسند.

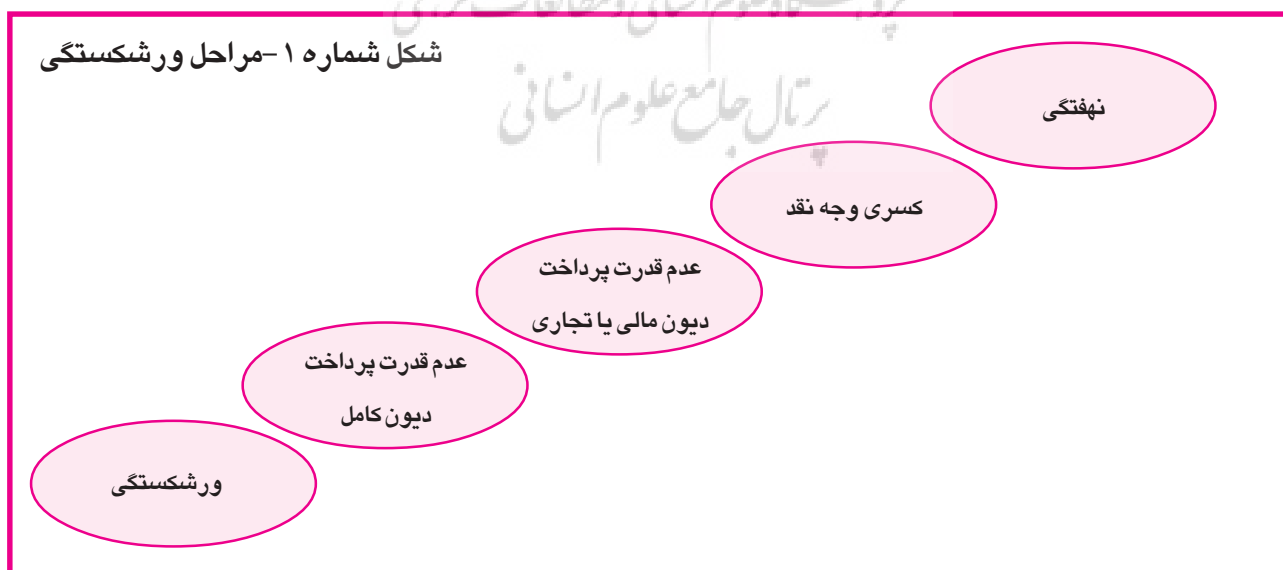
وضعیت واحد تجاری به طور ناگهانی و غیرمنتظره منجر به ورشکستگی نمی شود. در مرحله نهفتگی ممکن است یک یا چند وضعیت نامطلوب به طور پنهانی برای واحد تجاری وجود داشته باشد بدون اینکه فوراً قابل شناسایی باشد. مثلاً تغییر در تقاضای تولید، استمرار افزایش در هزینه های سربار، منسوخ شدن روشهای

تولید و... از این عوامل هستند. اغلب در دوره نهفتگی است که زیان اقتصادی رخ می دهد، بازده داراییها سقوط می کند. بهترین وضع برای شرکت این است که مشکل در همین مرحله کشف شود. مسئله دوم اینکه راه‌حلهای آسانتری که در این مرحله موثر است در مراحل بعد پاسخگو نخواهد بود. و نکته سوم، اعتماد عمومی دستخوش تزلزل نخواهد شد اگر مشکل در همین مرحله کشف و رفع گردد. برطرف ساختن مشکل در مراحل بعدی باعث کاهش اعتماد عمومی به شرکت می شود و در نتیجه دسترسی به وجوه دشوارتر می گردد و شاید شرکت ناچار به رد پروژه‌های سودآور شود.

مرحله کسری نقد وقتی شروع می شود که برای اولین بار یک واحد تجاری برای ایفای تعهدات جاری یا نیاز فوری، دسترسی به وجه نقد نداشته باشد گرچه چند برابر نیازش ممکن است داراییهای فیزیکی داشته و سابقه سودآوری کافی نیز داشته باشد. مسئله اینجاست که داراییها به قدر کافی قابل نقد شدن نیستند و سرمایه حبس شده است.

در مرحله نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، شرکت هنوز قادر به تحصیل وجه کافی از کانالهای مصرف هست. مدیریت ابزارهای مناسب دارد؛ مثلاً استفاده از افراد حرفه‌ای مالی یا تجاری، کمیته اعتباردهنده و تجدید ساختار در تکنیکهای تامین مالی. از طریق این روشها هنوز هم می توان مشکل را در این مرحله شناسایی و برطرف کرد. در مرحله نبود قدرت پرداخت دیون کامل است که دیگر شرکت رویه نابودی رفته است. کل بدهیها از ارزش داراییهای شرکت فزونی دارد و شرکت دیگر نمی تواند از ورشکستگی کامل خود اجتناب کند (Newton, 1998).

شکل شماره ۱- مراحل ورشکستگی





## بررسی قانون ورشکستگی در برخی کشورها

تحقیق در مورد علل ورشکستگی در بسیاری از کشورهای سراسر جهان انجام شده است. نتایج به دست آمده متفاوت است، از آن جمله لا پورتا (La Portal)، لوپز (Lopez)، دی-سیلانز (De-Silansé)، اشلایفر (Shleifer) و ویشنی (Vishny) (۱۹۹۹) اختلافات بین کشورها در نوع قوانین، مقررات و اجرای آن در مورد روشهای ورشکستگی را بررسی کردند. نتیجه یافته‌های آنها این بود که کشورهای دارای سیستم قضایی قویتر و حفاظت از سرمایه گذار، بازارهای اعتبار را تشویق می‌کنند. کلاسنس (Classens)، جانکو (Djanko) و کلاپر (Klapper) (۲۰۰۲) دریافتند که در یک نمونه از کشورهای آسیای شرقی، بستانکاران بیشتر در معرض تحمل هزینه‌های ورشکستگی هستند (Claessens, et al., 2000).

کلاپر (۲۰۰۱) طی پژوهشی برای بانک جهانی، روی کشورهای مختلف در دنیا و قوانین ورشکستگی آنها مطالعه کرده است. کشورهای مورد مطالعه وی همگی قوانین ورشکستگی داشتند که نقدینگی و تجدید ساختار شرکتهای ورشکسته را مجاز می‌کرد. او در مورد اینکه چرا نتیجه استفاده از قوانین یکسان در کشورهای مختلف تغییر می‌کند، مطالعه کرد. وی انتظار داشت که این مسئله به تفاوت‌های موجود در سیستمهای قضایی مربوط باشد. ضمناً تاثیر توسعه بازارهای سرمایه، مقیاس بخش بانکداری و درجه ثبات و رشد اقتصادی کلان بر استفاده از قانون ورشکستگی نیز مورد انتظار بود.

کلاپر (۲۰۰۱) ۳۷ کشور و داده‌های قانونی، مالی و سایر مشخصه‌های آنها را که بر ورشکستگی قانونی شرکتها تاثیر می‌گذارد، بررسی کرد. او دریافت که اگر کارایی سیستم قضایی بالا باشد، حقوق بستانکاران در کشور، قوی، سیستم مالی بازارگرا و روابط بانکی ضعیفتر باشد، ورشکستگیهای قانونی شرکتها بیشتر خواهد بود.

مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد که کشورهایی که مبنای قانون عرضی (انگلیس مدار) دارند، بیشترین حفاظت از سرمایه گذار را فراهم می‌سازند در حالی که آنهایی که مبداء قانون مدنی دارند (فرانسه، آلمان و اسکاندیناوی) حداقل حفاظت از حقوق سرمایه گذار را ارائه می‌دهند. به علاوه یافته‌ها نشان داد که ارتباط مهمی بین مبداءهای قانونی و اداره شرکت (موضوعاتی مثل پرداخت سود و مالکیت شرکت) در سراسر دنیا وجود دارد (Claessens, et al., 2000).

حسابداران باید علل  
پدید آورنده ورشکستگی را  
بخوبی درک کنند زیرا  
آنها هستند که می‌توانند  
قبل از وقوع ورشکستگی  
مدیریت را از آن آگاه سازند و  
راه‌حلهای پیشگیری کننده ارائه نمایند

## بررسی قانون ورشکستگی ایران

در این بخش به بررسی مفاد قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ و اصطلاحات بعدی آن پرداخته می‌شود و در این زمینه لایحه اصلاح قانون تجارت که اخیراً به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب ارائه شده و مراحل نهایی تصویب را می‌گذراند مورد بررسی و مقایسه با قانون فعلی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه قانون یادشده هنوز مصوب نشده است رئوس موارد ذکر می‌شود.

طبق ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحیه قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ وظایف شرکت در صورت ورشکستگی به شرح زیر بیان شده است:

اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود. هر گاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون، سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت نکند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

گرچه در این ماده قانونی امر ورشکستگی به صراحت مشخص نشده است اما در ماده ۱۴۳ همین قانون که در ادامه خواهد آمد ورشکستگی تصریح گردیده است.

همان طور که می بینیم طبق قانون تجارت، شرکت ورشکسته شرکتی است که دارای زیان انباشته حداقل به میزان نصف کل سرمایه شرکت باشد. در این صورت می باید مجمع عمومی فوق العاده تشکیل و در مورد انحلال یا ادامه فعالیت شرکت تصمیمگیری شود. بنابراین قانون، حمایت اندکی از ذینفعان و بخصوص اعتباردهندگان می کند و شرکت را در مورد بقا یا انحلال مخیر می داند، در حالی که ممکن است کل سرمایه آنها بر اثر این تصمیمگیری از دست برود. از طرف دیگر حتی تعریف ورشکستگی شرکت هم مبتنی بر منافع سهامداران بوده و معیار را زیان انباشته و سرمایه اسمی می داند. قدرت پرداخت دیون شرکت به عنوان معیاری که برای تعیین وضع مالی شرکت و تداوم فعالیت آن نقش کلیدی را داراست، در قانون در نظر گرفته نشده است (منصور، ۱۳۷۹).

با این حال، ماده ۱۴۳ تا حدودی بر منافع اعتباردهندگان (یا صاحبان دین) تکیه کرده است. در این ماده از قانون تصریح می گردد:

در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا هنگام انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند به تقاضای هر ذینفع، هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحا، معلول تخلفات او بوده منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم کند (منصور، ۱۳۷۹).

طبق این ماده، شکایت از مسئولان ورشکستگی شرکت منوط به عدم قدرت پرداخت دیون است و به طور ضمنی این معیار در نظر گرفته شده است.

علاوه بر این در ماده ۴۱۲ قانون فعلی نیز اشاره مختصری به تادیه دیون شده است. در زیر قسمتی از ماده فوق آمده است:

ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می شود (منصور، ۱۳۷۹).

در پیش نویس لایحه اصلاح قانون تجارت که در جریان تصویب است، طبق ماده ۸۳۵ تشخیص سازمانی به نام سازمان بازسازی، ملاک ادامه فعالیت طبق ضوابط بازسازی قرار گرفته است. در حالی که در قانون فعلی ناتوانی از پرداخت دیون ملاک ورشکستگی شناخته شده است.

ماده ۸۳۵ به شرح زیر است:

تاجری که توانایی پرداخت دیون خود را ندارد ولی، به تشخیص

سازمان بازسازی قادر به ادامه فعالیت تجاری است مشمول بازسازی قرار می گیرد.

مشمولان این ماده مکلفند ظرف مدت سی روز از تاریخ شروع توقف در پرداخت دیون، درخواست رسیدگی به سازمان بازسازی تسلیم نمایند (ماده ۸۳۶).

یکی از تسهیلات قانون جدید برای اشخاص حقیقی و حقوقی در شرف ورشکستگی، ایجاد یک مرحله میانی به نام بازسازی به منظور تامین حقوق طلبکاران ضمن نظارت در ادامه فعالیت اجرایی و مالی شرکت یا تاجر جهت مساعدت و جلوگیری از ورشکستگی قطعی است، که نکته حائز اهمیتی است که در قانون جدید مورد توجه قرار گرفته و آثار مثبت اقتصادی خواهد داشت.

به هر حال اعلان یا درخواست ورشکستگی به عهده خود شرکت یا بستانکاران است. ماده ۴۱۵ قانون تجارت فعلی نیز به همین مسئله اشاره دارد:

ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد زیر اعلام می شود:

الف- بر حسب اظهار خود تاجر،

ب- به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها،

ج- بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت (منصور، ۱۳۷۹).

در لایحه اصلاح قانون تجارت (ماده ۸۳۷) نیز به درخواست گروهها و اشخاص مندرج در قانون فعلی، هیئت تشخیص در خصوص ناتوانی تاجر از پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین مشمول بازسازی یا ورشکستگی تصمیمگیری می کند. علاوه بر این که تبصره ۱ ماده مذکور در مورد بند «ب»، مواردی شامل مطالبات کاری، تامین اجتماعی، استیجاری و مالیاتی ناشی از فعالیت تجاری نیز می شود که در قانون فعلی این مورد مسکوت بوده است. همچنین در تبصره ۲ ماده مذکور معیارهای احراز ناتوانی تاجر در پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و... منوط به تصویب آیین نامه اجرایی این قانون از طرف هیئت وزیران بوده است. تدوین آیین نامه اجرایی در این مورد در جهت شفاف سازی و مشخص شدن معیارهای ورشکستگی که قبلاً قانون به صورت کلی به آن اشاره کرده بود، موثر است.

تبصره ۲ ماده ۸۳۷:

معیارهای احراز ناتوانی تاجر در پرداخت دیون، توقف و تاریخ آن و همچنین مشمول بازسازی یا ورشکستگی، مطابق آیین نامه ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، به پیشنهاد مشترک

وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت دادگستری و به تصویب هیئت وزیران می رسد.

تا این مرحله هنوز تاجر در مرحله بازسازی که قبل از ورشکستگی است قرار دارد. در ماده ۸۴۵، طرح بازسازی<sup>۹</sup> که از طرف هیئت تشخیص ارائه می گردد متضمن موارد ۱۳گانه است که از آن جمله می توان به نحوه ادامه فعالیت، اسامی طلبکاران و نحوه پرداخت دیون، فهرست تعهدات و چگونگی ایفای آنها، تعیین تکلیف در مورد کارکنان، اصلاحات لازم در اساسنامه و صورتهای مالی حسابرسی شده برای شرکتها اشاره کرد، که به نظر می رسد منافع اعتباردهندگان کاملاً در آن ملحوظ شده باشد.

طبق ماده ۸۴۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، در پاراگراف دوم در صورت عدم ارائه درخواست بازسازی ظرف مهلت مقرر، هیئت با صدور سند عدم امکان بازسازی، پرونده امر را برای رسیدگی به ورشکستگی تاجر به دادگاه تجاری می فرستد. بنابراین در این مرحله است که شرکت در صورت عدم امکان بازسازی وارد مرحله ورشکستگی می شود. به هر حال طبق ماده ۸۴۸ دوره بازسازی نباید از سه سال تجاوز کند. در تبصره ماده ۸۴۵ نیز نحوه ارجاع شرکت برای ورود به مرحله ورشکستگی قطعی، ارائه شده است. تبصره ۲ ماده ۸۴۵:

هیئت تشخیص مکلف است بر اجرای مصوبات خود، از جمله طرح بازسازی، نظارت کند و در صورتی که در دوره بازسازی تشخیص دهد، طرح توفیقی ندارد، می تواند پرونده را به دادگاه تجاری برای اخذ تصمیم راجع به ورشکستگی بفرستد. از تاریخ قطعیت صدور حکم ورشکستگی مأموریت سازمان بازسازی در مورد آن تاجر پایان یافته تلقی می شود.

طبق ماده ۸۴۹ لایحه اصلاح قانون تجارت تاجر می تواند با اخذ نظر کمیته طلبکاران تقاضای تجدیدنظر کند، بنابراین به نظر می رسد در لایحه اصلاحی تلاش بیشتری برای تداوم فعالیت تاجر و حفظ منافع طلبکاران به عمل آمده است.

در قانون فعلی توجهی به حقوق سرمایه گذاران که یکی از شرکای اصلی ورشکستگی هستند نشده است. ماده ۴۱۸ به این مسئله اشاره دارد. در این ماده آمده است:

تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام ورشکسته بوده و

حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند (منصور، ۱۳۷۹).

در سایر ماده ها نیز از شخص ورشکسته با عنوان تاجر یاد شده است که این امر نشاندهنده توجه اندک قانونگذار به شخص حقوقی است. تنها در ماده ۴۱۴ به شرکتهای تضامنی، مختلط یا نسبی نیز اشاره شده است. به هر حال شرکتهای سهامی به عنوان مهمترین واحدهای تجاری اکثر اقتصادهای پویا در قانون مدنظر قرار نگرفته اند و به نظر می رسد که این مواد نیاز به بازنگری اساسی دارد. مفاد ماده ۴۲۱، در حمایت از حقوق بستانکاران تجار ورشکسته است، گرچه چندان عنایتی به شرکت یا سازمان به عنوان شخص حقوقی نشده است. در این ماده قانونی آمده است:

همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجب بارعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به قروض حال مبدل می شود (منصور، ۱۳۷۹).

## لایحه اصلاح قانون تجارت در

### حفظ منافع ورشکسته و

### طلبکاران اهتمام کرده است اما

### به نظر می رسد لازم باشد در

### مورد این گونه قوانین

### هر چند سال یکبار بازنگری و

### بررسیهای جامعی انجام گیرد

اما به دلیل تبدیل دیون موجب به حال به نوعی می توان گفت بخشی از بستانکاران نسبت به بقیه در اولویت قرار گرفته اند، چون بعضی از بستانکاران که وصول طلب آنها موکول به آینده است یعنی در تاریخ ورشکستگی دارای طلب مدت دار هستند، با حکم ورشکستگی طلبشان تبدیل به حال می شود. این در حالی است که سایر بستانکاران که طلبشان می بایست در تاریخ ورشکستگی یا قبل از آن پرداخت می شد، اکنون با گروه اول در وصول طلب برابرند.



بنابراین با وجود اینکه ظاهراً قانون از بستانکاران حمایت کرده است، باز حقوق گروهی از آنها نسبت به سایرین نادیده گرفته شده است.

در لایحه اصلاح قانون تجارت در ماده ۸۵۰، مادامی که شرکت در دوره بازسازی به سر می برد دیون موجل، تبدیل به حال نمی شود. بنابراین تقریباً اشکالی که بر قانون فعلی وارد است مرتفع شده است. ماده ۸۵۰ به شرح زیر است:

رای هیئت تشخیص بر اجرای بازسازی موجب حال شدن دیون موجل نمی شود و خسارت تاخیر تادیه را نیز قطع نمی کند.

تبصره: خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص قیمت خرده فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام و تعیین می شود. به هر حال خسارت تاخیر تادیه نباید کمتر از ۶ درصد در سال باشد.

چنان که می بینیم در تبصره ماده مذکور نقیصه ماده ۴۲۱ قانون فعلی تا حدود زیادی مرتفع شده و به احقاق حقوق طلبکاران بیشتر پرداخته شده است. از آنجا که حال شدن طلب هر گروه از طلبکاران موکول به در نظر گرفتن شاخص خرده فروشی است بنابراین مسئله تورم نیز در قانون جدید مورد ملاحظه قرار گرفته است.

در ماده ۴۲۳ قانون فعلی نیز که موضوع آن باطل بودن معاملاتی است که در تاریخ توقف به نحوی از انحاء حقوق بستانکاران راضایع کرده و یا موجب رجحان حقوق برخی از بستانکاران به سایرین گردد، قانونگذار با بلا اثر و باطل شناختن این معاملات به صاحبان دیون توجه کرده است.<sup>۱۰</sup>

در این رابطه مفاد ماده ۴۲۴، ۴۲۵ و ۴۲۶ نیز در تاکید بر حقوق طلبکاران است حتی قبل از توقف یا ورشکستگی که شامل معاملاتی است که ثابت گردد به نحوی از انحاء قبل از توقف حقوق بستانکاران ضایع شده است.<sup>۱۱</sup>

به هر حال پس از رسیدن به ورشکستگی و مشمول شدن واحد تجاری، طبق قانون تجارت قسمت مهمی از منافع سرمایه گذاران و اعتباردهندگان از بین رفته است و مقطعی که قانون برای رای به انحلال واحد تجاری معین کرده است در واقع انتهای کار شرکت است. به این دلیل اعتباردهندگان نمی توانند به انتظار حمایتیهای قانونی باشند.

از طرف دیگر سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز برای شناسایی

شرکتهای ورشکسته از همان ماده ۱۴۱ قانون تجارت بهره می گیرد. با این تفاوت که بر اساس آیین نامه های اجرایی و انضباطی بورس اوراق بهادار تهران پاره ای محدودیتهای ویژه بر شرکتهایی که مشمول ماده ۱۴۱ شناخته می شوند، وضع می گردد که آنها را ملزم به رفع مشکل مربوط می کند. موارد ذکر شده بدین شرح است:

در صورتی که شرکت، مشمول ماده ۱۴۱ و ورشکسته شناخته شود از این تاریخ به مدت شش ماه به شرکت فرصت داده می شود تا مشکل زیان انباشته را مرتفع کرده و مطابق قانون رفتار نماید. پس از گذشت این مدت در صورتی که همچنان شرکت ورشکسته تشخیص داده شود و زیان مربوط را کاهش نداده باشد، نماد شرکت متوقف می گردد و برای ورود مجدد نماد به بورس، شرکت می بایست تمامی مراحل قانونی را مجدداً طی کند.

در صورتی که پس از مدت معین باز هم شرکت اقدامی در این خصوص نکرده باشد، این بار شرکت به حالت تعلیق درآمده و در نهایت از تابلو حذف می شود. بنابراین برای پذیرش و ورود مجدد به بورس اوراق بهادار تهران می بایست شرکت تمام مراحل را از ابتدا طی کند.

با بررسی این آیین نامه متوجه می شویم که سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان متولی و نهاد نظارت بر بازار سرمایه هیچ روش اجرایی پیشگیرانه و کنترلی برای جلوگیری از ورشکستگی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ندارد و پس از ورشکستگی رسمی و قانونی شرکتهای پاره ای تدابیر و راه حلها را اتخاذ نموده است، در حالی که در این زمان دیگر حمایتی از سرمایه گذاران به عنوان شرکای اصلی بازارهای سرمایه به عمل نمی آید. این در شرایطی است که از سازمان بورس اوراق بهادار انتظار می رود قبل از وقوع رویداد ورشکستگی کنترلهایی بر وضع مالی



به هر حال به نظر می رسد که کار علمی و قانونی اندکی در مورد ورشکستگی در کشور ما انجام شده است و با توجه به شکوفایی هر چه بیشتر اقتصاد و تجارت در ایران، آینده راه فراخی برای وقوع ورشکستگیهای تجاری فراهم می سازد. این در حالی است که هنوز تعریف شفاف و کاملی از ورشکستگی در کشور ما وجود ندارد.



#### پانوشتهها:

- 1- Distress
- 2- Failure
- 3- Bankruptcy
- 4- Insolvency
- 5- Bankrupt
- 6- Acts of god
- 7- Bureau of Business Research of the University
- 8- Society of Insolvency Practitioners

۹- طرح بازسازی می بایست توسط تاجر ظرف مدت سه ماه از تاریخ اعلام هیئت با نظارت کمیته ای از نمایندگان طلبکاران تهیه و به هیئت ارائه شود (ماده ۸۴۲)  
 ۱۰- همان ماخذ، باب یازدهم- در ورشکستگی، ماده ۴۲۳، صص ۱۹۳  
 ۱۱- همان ماخذ، باب یازدهم- در ورشکستگی، ماده ۴۲۵، ۴۲۶ و ۴۲۷، صص ۱۹۳ و ۱۹۴

#### منابع انگلیسی:

- Aiyabei, J., **Financial Distress: Theory, Measurement & Consequence**, A Seminar Paper Presented at the Catholic University of Eastern Africa, Department of Commerce on 10th November, Eastern Africa, 2000
- Claessens, S., Djankov, S., & Klapper, Leora., **Resolution of Corporate Distress in East Asia**, World Bank Working paper, 2000
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A & Vishny, R.W., Legal Determinants of External Finance, Journal of Finance, 52: Klapper, Leora., **Bankruptcy Around the World: Explanations of its Relative Use**, World Bank, [web document], 20 pages, available, 2003
- [http://wbln0018.worldbank.org/html/Financial Sector Web.nsf/\(attachmentweb\)/wps2865/\\$FILE/wps2865.pdf](http://wbln0018.worldbank.org/html/Financial Sector Web.nsf/(attachmentweb)/wps2865/$FILE/wps2865.pdf), [2003-5-1]
- Newton, G.W., **Bankruptcy Insolvency Accounting Practice and Procedure**, 1: Wiley, pp:21-41

#### منابع فارسی:

- منصور، جهانگیر (۱۳۷۹)، قانون تجارت همراه با قانون چک آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری و...، نشر دیدار، چاپ هشتم، ماده ۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۴۱۲ تا ۴۲۶ صص ۱۹ و ۶۶-۶۵ و ۱۹۱-۱۹۴
- سازمان بورس و اوراق بهادار تهران- شورای بورس، (مهر ۱۳۷۸)، مجموعه قوانین و مقررات و آیین نامه های بورس اوراق بهادار، ماده ۷۵ و ۷۶ انحلال شرکتها، چاپ اول، صص ۱۶۵-۱۶۶
- باب هفتم بازسازی و ورشکستگی

## طبق قانون تجارت شرکت ورشکسته شرکتی است

که دارای زیان انباشته حداقل به میزان  
نصف کل سرمایه شرکت باشد  
در این صورت می باید  
مجمع عمومی فوق العاده تشکیل  
و در مورد انحلال یا ادامه فعالیت  
شرکت تصمیمگیری شود

شرکتها داشته باشد و قبل از وقوع آن سرمایه گذاران را از بالا رفتن ریسک ورشکستگی آگاه سازد.

### نتیجه گیری

همان طور که ملاحظه شد ورشکستگی تجاری ممکن است دلایل متعددی داشته باشد. در کشورهای توسعه یافته این مقوله از طریق سیستمهای قانونی مورد توجه و نظارت قرار می گیرد اما در کشورهایی که ثبات تجاری و اقتصادی کمتر است، احتمال ورشکستگی بیشتر می شود، خصوصاً اگر قانون نیز حمایت اندکی از ذینفعان ورشکستگی انجام دهد.

بنابراین لازم است روشی برگزیده شود که وضعیت مالی شرکت را ارزیابی کند، ولی از آنجا که هیچ یک از روشهای ارزیابی عملکرد در دنیا مدل کاملی ارائه نمی دهد و همواره در کنار یک مدل پیش بینی، نیاز به قضاوت حرفه ای تصمیمگیرنده نیز می باشد، اتکا به یک مدل پیش بینی ورشکستگی همیشه منتهی به تصمیم صحیح از طرف گروههای ذینفع نمی شود.

ضمناً گروههای ذینفع متعددی وجود دارند که نیازمند تصمیمگیری بهینه اند و لازم است این گروهها را محدود کرد تا بهتر بتوان در ارائه مدل پیش بینی بر یکی از آنها تمرکز کرد.

با این حال لایحه اصلاح قانون تجارت در حفظ منافع ورشکسته و طلبکاران اهتمام کرده است اما به نظر می رسد لازم باشد در مورد این گونه قوانین، هر چند سال یکبار بازنگری و بررسیهای جامعی انجام گیرد.